

دولتمردان و مستشاران نظامی آمریکا و راهبرد دفاعی و امنیتی ارتش ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۲۶

مجید نجف پور^۱محمد نایب پور^۲سینا فروزش^۳**چکیده**

با پایان یافتن جنگ دوم جهانی و آغاز جنگ سرد، اولویت اصلی سیاست خارجی دولتمردان آمریکا در مقابل گسترش و نفوذ شوروی و تحولات منطقه خاورمیانه از اواسط دهه ۵۰م. تجهیز قوای نظامی و اعزام نیروی مستشاری به ایران بود. مستشاران نظامی آمریکاطی سال های ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ ماموریت تامین امنیت و حفظ منابع و منافع خود در خلیج فارس را با توانمندی های ارتش ایران به ظهور رساندند و در قالب یک راهبرد دفاعی فراتر از مرز های بین المللی و در مقابل ابر قدرت شرق به حمایت تسلیحاتی از ارتش ایران پرداختند. در پژوهش فوق که با روش توصیفی و تفسیر وقایع بر پایه ابزار جمع آوری اطلاعات اسنادی و مدارک با شیوه مطالعات کتابخانه ای و آرشیو مراکز اسناد به تحولات تاریخی این مقطع از تاریخ معاصر ایران پرداخته می شود، باهدف شناخت سیاست های نظامی دولت آمریکادر دوران پهلوی دوم که نتیجه آن اجرای راهبرد دفاعی و امنیتی سیاستگذاران آمریکا در استفاده ابزاری از ارتش ایران در حفظ منافع خود در رقابت با ابر قدرت شرق است حاصل می شود.

واژگان کلیدی: دولت مردان آمریکا، ارتش ایران، مستشاران نظامی، راهبرددفاعی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

amirhosseinnp75@gmail.com

^۲ دانشیار، گروه مرزبانی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران (نویسنده مسؤل)

Mohamadnayebpour@gmail.com

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت، کرمان، ایران

dr.sinafroozesh@gmail.com

تبادل مستشاران در سطح جامعه بین الملل براساس یک روش کلی و رویه متداول صورت می گیرد و در حوزه های مختلف سیاسی، فرهنگی، نظامی و... وظایف مورد نظرها به اجرا درمی آورند چرا که نیروی مستشاری^(۱) به عنوان راهی برای دستیابی یک کشور به فناوری و توسعه وضعیت مناسب با جامعه مدرن است. در جایگاه تحلیل و بررسی حضور مستشاران خارجی در تاریخ معاصر ایران، بیشترین نماد حضور نیروهای مستشاری را از سوی مستشاران نظامی کشور آمریکا شاهد هستیم که با آغاز سلطنت محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۲۰ ش. شروع شد و با سرعت غیرقابل باوری افزایش یافت. «در همین راستا آمریکا به دنبال ثبات سازی در مناطقی استراتژیک همچون خاورمیانه بود تا از این طریق مانع گسترش نفوذ شوروی شود.» (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۹۴) تحولاتی که از اواسط دهه ۵۰ میلادی در منطقه خاورمیانه صورت گرفت موجب طغیان جنبش های مردمی و نفوذ شوروی در این منطقه از جغرافیای سیاسی جهان را فراهم آورد و کشور ایران را که در این زمان با داشتن موقعیت استراتژیک نقشی حیاتی در مقابل سیاست نفوذ شوروی در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه بازی کرد.

بیان مسئله در مقاله حاضر به چرایی و بررسی علل و عوامل توسعه و تجهیز ساختار نظامی ایران و ورود نیروی های مستشاری آمریکا به این کشور در خلال سال های ۱۳۲۰-۱۳۵۷ ش. و نقش این مستشاران نظامی در راهبرد دفاعی ارتش ایران است.

هدف مؤلف در این مقاله تبیین و تفسیر تحولاتی است که از اواسط دهه ۵۰ میلادی در خاورمیانه اتفاق افتاد و تأثیر نقش دولت مردان آمریکا بر ساختار سیاست نظامیگری و راهبرد دفاعی دولت ایران در مقطع زمانی فوق است.

فرضیه محقق بر این اساس است که با توجه به متغیرهای دخیل در رخداد های مرتبط با موضوع مورد بحث و نفوذ شوروی در منطقه، عوامل فوق موجب آن شد که نظام سیاسی ایران در خلال سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ش. گرفتار رقابت های قدرت های بزرگ شده که پیامدهای آن به ساختار ارتش، توسعه نظامی کشور همسو با سیاست های نظامی گری آمریکا در دوران پهلوی دوم و نقش و جایگاه آن در راهبرد دفاعی و فرامرزی ایران ختم می شود. آنچه ضرورت و اهمیت این پژوهش را با تکیه بر اسناد نشان می دهد، شناخت سیاست های نظامی دولت مردان آمریکا در ساختار دفاعی و نظامی ایران در دوران

سلطنت محمدرضا پهلوی که تأثیرات آن در هزینه های سرسام آور نظامی مورد توجه قرار می . از این رومؤلف به دنبال پاسخ به این پرسش های اساسی است که:

دولتمردان و مستشاران نظامی آمریکا چه اهدافی را از تقویت تسلیحاتی ارتش ایران جستجو می کردند؟
آیا توسعه و تجهیز نظامی ارتش ایران در دوران پهلوی دوم تأثیری بر راهبرد دفاعی و امنیتی ایران داشته است؟

پیشینه تحقیق

شاداب عسگری (۱۳۹۴) در کتاب: «مستشاران نظامی آمریکا در ایران» با پرداختن به موضوع جنگ دوم جهانی و اشغال ایران توسط متفقین به توجه ویژه دولتمردان آمریکایی و مستشاران نظامی آن کشور نسبت به ایران پرداخته است.

یوسف ترابی (۱۳۸۶) در کتاب: « بررسی روابط اقتصادی ، نظامی ایران و ایالات متحده آمریکا» ضمن بررسی به دوران پس از مشروطیت در ایران تا جنگ جهانی دوم و از آغاز سلطنت محمدرضا پهلوی تا پیروزی انقلاب اسلامی به حضور گسترده مستشاران نظامی آمریکا اشاره داشته است.

عبدالرضا هوشنگ مهدوی (۱۳۷۵) در کتاب: سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی ۱۳۰۰-۱۳۵۷ به بررسی دوران حکومت پهلوی دوم پرداخته و به ابعاد مختلف سیاست خارجی ایران علی الخصوص دولت های انگلستان و آمریکا را مورد بررسی قرار داده است.

الهه کولائی (۱۳۷۹) در تألیف: «اتحاد جماهیر شوروی و انقلاب اسلامی» به موضوع قدرت شرق در معادلات جهانی از بعد از جنگ دوم جهانی پرداخته و به تأثیر این دیدگاه از سوی رهبران شوروی اشاره می کند.

ویلیام سولیوان (۱۳۹۳) در کتاب: «خاطرات دوسفیر (مأموریت در ایران)» با ذکر خاطرات خود در مدت مأموریتش به روابط گسترده شاه با آمریکا پرداخته و تأثیر فرهنگ مستشاران آمریکایی نزد نظامیان تحصیل کرده ایرانی در نیروی هوایی پرداخته است.

زینب احیایی (۱۳۸۲) در کتاب: «مستشاران آمریکایی در ایران به روایت اسناد» با استفاده از آرشیو اسنادستاد مستشاری ارتش آمریکا در ایران پرداخته که شاخصه اغلب اسناد ، سفارش های نیروی هوایی ایران در خصوص خرید جنگنده ها و سیستم های راداری از آمریکا است.

سعیده لطفیان (۱۳۸۰) در تألیف « ارتش و انقلاب اسلامی» در خصوص ایجاد قوای قهریه و نیاز به ارتش در هر کشوری برای پاسداری از تمامیت ارضی اشاره کرده

است. عمده ترین بخش کتاب درخصوص وابستگی تسلیحاتی ایران با آمریکا و برنامه های کمک نظامی آمریکا در سال ۱۳۲۹ با نام گروه مستشاری (ماگ) اشاره دارد. رابرت گراهام (۱۳۵۸) در کتاب «سراب قدرت» پیرامون حضور گسترده و روبه تصاعد مستشاران نظامی آمریکا در ایران در دهه ۱۹۷۰م. اشاره داشته و حضور نظامیان و مشاوران آمریکائی را برای کاربردی کردن این سلاح ها می داند. محمدرضا پهلوی (۱۳۷۱) در کتاب «پاسخ به تاریخ» عمق اندیشه ها و دیدگاههایش را در بستر های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مخصوصاً برتری نظامی ایران در منطقه و جهان به تصویر کشیده است و آن را به عنوان بخشی از راهبرد دفاعی امنیتی ایران در منطقه خاورمیانه و جهان معرفی می کند.

حسن فراهانی (۱۳۸۵) در مقاله خود بانام «دکترین نیکسون و پیامدهای آن در ایران» در فصلنامه مطالعات تاریخی روابط ایران و آمریکا، به تعاملات نظامی و امنیتی در آخرین دهه از حکومت پهلوی (۱۳۴۷-۱۳۵۷) و دوران اوج رابطه امنیتی ایران با آمریکا اشاره کرده است.

داود اصفهانیان و محمد ولی پور (۱۳۸۷) در مقاله ای با عنوان: «ظهور آمریکا و زمینه های نفوذ تدریجی در عرصه سیاسی ایران» رابطه ایران و آمریکا را از ابتدا تا آغاز جنگ سرد و تغییر رویکرد آن را در قبال ایران از یک رابطه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به یک رویکرد نظامی مورد بررسی قرار داده است.

ریکس، تامس (۱۳۸۶) در مقاله ای با عنوان: «هیئت های نظامی ایالات متحده در ایران از ۱۹۴۳ تا ۱۹۷۸ اقتصادی، سیاسی، کمک های نظامی» به ورود نخستین هیئت مستشار اقتصادی آمریکا به سرپرستی مورگان شوستر اشاره کرده و در دوران پهلوی دوم نیز بر همکاری های نظامی و حضور نیروهای مستشار نظامی آمریکا به ایران می پردازد.

اسنادلانه جاسوسی آمریکا (۱۳۶۹) که توسط مرکز نشر اسنادلانه جاسوسی به چاپ رسیده در مجلدات ۲، ۵۲، ۷۱، ۷۰، ۷۲ به نقش بی بدیل مستشاران نظامی آمریکا در ارتش ایران و تدوین راهبرد دفاعی در سفارش و خرید تسلیحات نظامی همراه با تصاویر اسناد اشاره دارد.

چارچوب نظری

اکثر منابعی که به بررسی اجرای طرح ها و برنامه های گسترش نظامی ارتش ایران در دوران پهلوی دوم پرداختند، صرفاً در سطح تحلیل کلان و با اشاره به تغییر در دیدگاه هیئت حاکمه آمریکا بوده و اشاره ای به تحولات منطقه ای خاورمیانه در دوره مورد بحث نداشته اند. در تحقیقات صورت گرفته توسط پژوهشگران به رویدادهای خاص که

عمدتاً اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است و تأثیر منابع نفت ایران را در نفوذ و کشمکش قدرت میان شرق و غرب در سال های ۱۳۲۰-۱۳۵۷ ش. مورد مطالعه قرار داده اند. «مجموع کمک های نظامی آمریکا به ایران که در سال های ۱۳۲۸-۱۳۳۱ ش. از ۱۶/۸ میلیون دلار تجاوز نکرده بود در سال های ۱۳۳۲-۱۳۴۰ به ۴۳۶ میلیون دلار رسید. آمریکاییان برای نخستین بار از طریق کنسرسیوم در نفت ایران شریک شدند و نیز با امضای قراردادهای مشارکت با شرکت ملی نفت ایران منافعشان را در صنایع نفت ایران گسترش دادند.» (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۵: ۲۶۲) در بررسی از پژوهش های انجام گرفته در خصوص توسعه و تجهیز نظامی ارتش ایران کم تر به موضوع حضور فرمانطقه ای ارتش ایران و مداخلات نظامی آن در دیگر کشورها اشاره شده است. و رویکردی جامع در خصوص روابط نظامی در ابعاد فرامرزی ایران با آمریکا ارائه نشده است. غفلت از شرایط منطقه ای در این دوره موجب نارسائی تحلیل ها خواهد بود.

در مقاله حاضر ضمن اشاره به تأثیر روحیه نظامی گری در سیاست های داخلی و خارجی دوران پهلوی دوم که با انعقاد قراردادهای نظامی و سفارش بیشمار تسلیحات در نیروهای مسلح که به میزان اثر پذیری و دخالت نیروهای نظامی ایران در آن سوی مرزهای جغرافیایی صورت گرفت اشاره داشته و چنین حضوری را در جایگاه راهبرد دفاعی و امنیتی دولت ایران به غیر از حفظ منافع آمریکا که از طریق نیروهای مسلح ایران تأمین می گردید، هیچگونه توجیه دیگری را نمی توان برای آن متصور دانست. در خصوص واژه راهبرد نیز تعاریف گوناگونی از اندیشه های سیاسی و مدیریتی نظریه پردازان ارائه شده است.

واژه راهبرد در اصل لغت و در معنای ابتدایی خود بیانگر نقشه ها و تدابیری بوده است که در طول زمان و در گام اول به دانش طرح ها و نقشه ها اشاره داشته و در گام دوم به دانش حرکات و تاکتیک عملیات اشاره دارد. کلاوزویتس* راهبرد را: «فن هدایت نیرو و منطبق و هماهنگ ساختن نیروها جهت نیل به هدف های بزرگ» تعریف کرده است (روشندل، ۱۳۷۰: ۲۳۷) لیدل هارت* راهبرد را «هنر تخصیص و کاربرد ابزار و وسایل دفاعی برای نیل به هدف های سیاسی» دانسته و بر این اعتقاد است که راهبرد برای تحقق هدف های سیاسی یک کشور که در پی آن مسئله امنیت ملی در رأس آن قرار می گیرد. (روشندل، ۱۳۷۰: ۲۴۱)

Clausewitz -*

* - Liddel hart

با توجه به وسعت معنا و مفهوم واژه راهبرد، انجمن تحقیقات وزارت دفاع آمریکا واژه راهبرد را «علم و فن توسعه و کاربرد قدرت های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی یک ملت به منظور تأمین حداکثر پشتیبانی از سیاست ملی و افزایش احتمال پیروزی و تقلیل احتمال شکست معرفی کرده است.» (فارسی، ۱۳۶۳: ۱۰) صاحب نظر دیگری به نام دیوید همپتون* می گوید: «راهبرد برنامه ریزی امکانات است که تشخیص و آرایش توانائی های نظامی برای استقرار پیروزمندانه آن در شرایط محیطی متفاوت را دربرمی گیرد» (ایگورانسف و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۲) «راهبرد دفاعی عبارت است از علم و هنر به کارگیری نیروهای نظامی یک ملت به منظور تأمین هدف ها و خط مشی های سیاسی از طریق استفاده از نیروهای نظامی.» (رستمی، ۱۳۷۸: ۷۸)

کاربرد راهبرد دفاعی که ترکیبی از دو مفهوم راهبرد و دفاع است تفسیری برای حفظ منافع و ارزش های حیاتی و حدود و ثغور ملی که در امتداد سیاست های امنیت ملی تجلی پیدا می کند.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش روش توصیفی، تفسیری و کشف وقایع و رویدادهای تاریخی است. در پژوهش فوق اصل و اساس آن شناخت ابعاد مختلف توسعه نظامی دربرشی از تاریخ معاصر ایران است با توجه بر بُعد زمانی در عنوان مقاله و با استفاده از تحلیل استدلالی، عقلانی، منطقی و تجزیه و تحلیل کیفی با تکیه بر منابع کتابخانه ای و آرشیو مراکز اسنادی، با استفاده از روش تفسیری از نوع کیفی به کمیت و استعداد نظامی ایران اشاره شده است تا ساختار ارتش ایران در دوران حکومت پهلوی دوم با تکیه بر نیروی مستشاری و توازن قدرت در سطح داخلی و منطقه ای و راهبرد دفاعی فرامرزی روشن شود.

یافته های تحقیق

پایان جنگ دوم جهانی آغازی برای نمایان شدن آثار اختلاف میان متفقین و حرکت جامعه سیاسی جهان به سوی نظام دو قطبی گردید.

در ایران با توجه به نحوه به قدرت رسیدن محمد رضا شاه، که دول خارجی بیشترین سهم را در انتقال قدرت داشتند. ایران با داشتن ویژگی های خاص جغرافیایی و منطقه ای

درحوزه خلیج فارس و دریای عمان و بهره مندی از منابع عظیم نفت و گاز خیلی سریع در راستای روابط بین الملل قرار گرفت.

«در طول جنگ دوم جهانی، آمریکا تلاش می کرد هرچه بیشتر زمینه نفوذ خود در ایران و وابستگی ایران به آمریکا را فراهم کند.» (بیل، ۱۳۷۱: ۲۸-۲۷)

این دوره زمینه ساز گسترده و کنترل حیات اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی ایران از جانب آمریکا که بیش از سه دهه به طول انجامید قرار گرفت و راه نفوذ هرچه بیشتر آمریکا به صحنه اقتصادی، سیاسی و نظامی ایران را فراهم کرد.

« دولت آمریکا در تاریخ ۱۰ مارس ۱۹۴۲/۱۹ اسفند ۱۳۲۰ ایران را واجد شرایط لازم برای دریافت کمک های برنامه (وام و اجاره) دانسته و اعلام کرد که ایران می تواند از کمک های آمریکا از طریق این برنامه استفاده نماید.» (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۶۷) رجال سیاسی ایران نیز در این ایام نسبت به کارگزاران آمریکا دیدگاه مثبتی داشتند و آنها را افرادی صلح طلب قلمداد می کردند. «وزیر مختار ایران در واشینگتن طی یادداشتی مورخ ۲۹ اسفند ماه ۲۰/۱۳۲۰ مارس ۱۹۴۲ به وزارت خارجه آمریکا اطلاع دادند که دولت ایران مایل است مستشاران نظامی آمریکا را برای وزارت جنگ ایران استخدام نماید» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۶: ۵۰۱)

دولت آمریکا که نقش مهمی در جنگ دوم جهانی برعهده گرفته بود، از این فکر نخست وزیر ایران (احمد قوام) استقبال کرد و چند هیئت از مستشاران مالی، نظامی، بهداشت، کشاورزی و نفتی به ایران اعزام نمود. مهمترین این هیئت ها دکتر میلسپو* و مستشاران مالی وی بودند و چون میلسپو در مأموریت قبلی اش در دوران رضاشاه در سمت رئیس کل مالیه ایران در تاریخ ۲۷ آبان ۱۳۰۱ به مدت پنج سال برای اداره امور مالیه به استخدام دولت درآمد بود و به امور ایران آشنائی داشت، در مأموریت دوم نیز همان مسئولیت را با اختیارات بیشتری برعهده گرفت.

«میلسپو دردی ماه ۱۳۲۱ وارد تهران شد و به عنوان رئیس کل دارائی با اختیارات وسیعی امور مالی و اقتصادی کشور را در دست گرفت.» (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۷۷)

میلسپو، به عنوان مستشار مالیه آمریکا در طول سال های ۱۳۲۳-۱۳۲۱ به سامان دهی اوضاع اقتصادی ایران پرداخت و در طی سال های فوق معاملات ایران و آمریکا افزایش یافت و تعداد مستشاران آمریکائی در ایران رو به فزونی گذارد.

«در مهرماه ۱۳۲۱/ اکتبر ۱۹۴۲ سرلشکر - کلارنس ریدلی - در مقام رایزن و جانشین ژنرال - جانی گرلی - در ارتش ایران وارد تهران شد. سرهنگ نورمن شوآرتسکف نیز به

همراه دونفرنظامی دیگر ارتش آمریکا، سرهنگ دوم فیلیپ یون و سروان ویلیام پرستون، مشاورین ژاندارمری شاهنشاهی ایران پیش از هیئت ریدلی در مرداد ۱۳۲۱ وارد تهران شده بودند.» (ریکسی، ۱۳۸۶: ۱۳۶)

« سرهنگ شوآرتسکف از تاریخ دهم آذر ۱۳۲۲ به موجب تصویب نامه هیئت وزیران به ریاست سازمان ژاندارمری کل کشور منصوب گردید و با هیئت خود که به تدریج تعداد آنها به هفت نفر رسید مشغول به کار شد. » (قائم مقامی، ۱۳۲۶ : ۳۶۱-۳۵۸) « قرارداد مربوط به هیئت نظامی آمریکا که مأمور بازسازی ارتش ایران بود و به اختصار (آرمیش) نامیده می شد، در تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۴۳ و هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری ایران اختصاراً به آن (جنمیش) اطلاق می کردند، در تاریخ ۵ آذر ۱۳۲۱ (۲۷ نوامبر ۱۹۴۳) امضا شد.» (عسگری، ۱۳۹۳: ۱۱۸)

«هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری ایران بنا به درخواست مورخ ۱۹۴۲ م. دولت ایران تشکیل شد. یک قرارداد رسمی در نوامبر ۱۹۴۳ م. امضا گردید که مرتباً مورد تجدید نظر و تمديد قرار می گرفت.» (اسنادلانه جاسیوسی، ۱۳۶۹: ج ۷۰ سند شماره ۵۷)

واضح و مبرهن بود که چرایی توجه آمریکائیا به ایران ریشه در اهداف و راهبردهای امنیتی آنان قرار داشت. موقعیت ایران به عنوان چهارمین کشور تولید کننده نفت در جهان مهمترین عاملی بود که باعث شد آمریکا و شوروی در سال ۱۳۲۵ ش. بر سر ایران در مقابل هم قرار گیرند. اما آمریکائی ها به تدریج اهمیت و موقعیت استراتژیک ایران در منطقه را دریافتند و در نهایت با استفاده از مجموعه عوامل کارآمد، پهلوی دوم را به عنوان ژاندارم برتر و ممتاز و یکی از اقامار با نفوذ در منطقه خاورمیانه انتخاب کردند.

۱-۱- اصل چهار هری ترومن* رئیس جمهور آمریکا در قبال ایران (۱۹۴۹-۱۹۴۵ م.)

با قدرت گیری ترومن در آمریکا سیاست خارجی این کشور شکل دیگری به خود گرفت. آنها سیاست محدود ساختن شوروی را تنها عامل اساسی جلوگیری از انتشار کمونیسم می دانستند. بر اساس سیاست محدود سازی باید به کشورهای که در معرض کمونیسم بودند کمک اقتصادی و نظامی می شد، تا توان مقاومت پیدا می کردند.

این طرح بانام اصل چهارم ترومن معروف گردید که در ضمن مقاوم سازی ایران در مقابل تهاجم کمونیسم امکان بهره برداری آمریکا از منابع نفت ایران هرچه بیشتر فراهم گردد.

«در سال ۱۳۲۹ ش (۱۹۵۰م) موافقت نامه ای درباره توسعه اصل چهارم ترومن در سراسر ایران به امضاء رسید. طبق این موافقت نامه دولت آمریکا را متعهد می کرد در تمامی شئون کشاورزی، بهداشتی و فرهنگی به ایران کمک کند.» (ایوانف ۱۳۵۶:۱۳۸)

اصلی ترین هدفی که از رایه کمک های اصل چهارم به ایران دنبال می گردید عبارت از آن بود که ایران بتواند به عنوان مانعی در برابر شوروی بر سر راه رسیدن به منطقه نفتی عربستان و خلیج فارس مقاومت کند.

«الف) - جلوگیری از نفوذ و گسترش نظام کمونیستی به ویژه در کشورهای که از لحاظ اقتصادی ضعیف هستند.

ب) - کمک به بهره برداری و استخراج بهینه مواد خام در کشورهای عقب مانده .

ج) - توسعه تجارت به یاری برنامه های کمک رسانی و اقتصادی برای کشورهای جهان سوم تا امکانات صادرات و واردات آمریکا نیز افزایش یابد.» (ایوانف ۱۳۵۶:۱۳۸)

در راستای کمک های اقتصادی آمریکا به ایران در اصل چهار ترومن در ابعاد نظامی همکاری دوجانبه شکل گرفت.

« در سال ۱۳۲۹ ش / ۱۹۵۰م. توافق نامه کمک های دوجانبه آمریکا و ایران به امضاء رسید و گروه مشاورین کمک نظامی موسوم به (ماگ) تشکیل گردید. اساساً این توافق نامه ایالات متحده را ملزم به اعطای تجهیزات مواد و خدمات مجاز از سوی دولت ایالات متحده به ایران می کرد.» (عسگری، ۱۳۹۳:۱۲۸)

۱-۲- دکتورین نظامی ریچارد نیکسون* در مسلح ساختن ارتش ایران (۱۹۶۹م. / ۱۳۴۸ ش - ۱۹۷۴م / ۱۳۵۳ ش)

ریچارد نیکسون رییس جمهور آمریکا از حزب جمهوریخواه اندیشه و تحولات دکتورین خود را به همراهی و مشارکت هنری کسینجر* مشاور امنیت ملی که بعدها به مقام وزارت خارجه دست یافت با جهت دهی نوین با توجه به اقتدار جدید جهانی عهده دار شد.

در راستای سیاست ریچارد نیکسون بود که شورهای از میان کشورهای متمایل به جهان غرب آنها می بایست نقش سیاسی و نظامی فعالی را ایفا می کردند .

ریچارد نیکسون در ۲۲ ژوئیه ۱۹۶۹ در راه سفرش به فیلیپین در جزیره گوآم عقایدش را درباره اوضاع جهان و سیاست آینده آمریکا را تشریح کرد که به دکتورین نیکسون

Richard Milhous Nixon*

Henry Kissinger*

مشهور شد. او گفت: «گمان می‌کنم وقت آن رسیده باشد که آمریکادرزمینه مناسباتش با کشورهای آسیایی به دونکته تکیه کند: اولاً مابه همه تعهدات قراردادی خود احترام خواهیم گذاشت. ثانیاً تا جایی که مربوط با مسایل امنیت داخلی و مسائل دفاع نظامی باشد، صرفنظر از تهدید از جانب یک دولت بزرگ که مسلماً منجر به توسل به سلاح هسته‌ای خواهیم شد، دولت آمریکا ملل آسیایی را تشویق می‌کند که مسایل امنیت داخلی و دفاعی را بین خودشان حل و فصل کنند.» (فونتن، ۱۳۶۲: ۱۷۴)

ایفای نقش ژاندارمی در منطقه خاورمیانه و حمایت‌های بی‌حد و حصر مقامات کاخ سفید در دوران نیکسون از ایران، یکی از تحولات چشمگیر میان یک کشور جهان سوم در آسیا با یک ابرقدرت غرب محسوب می‌شد.

«آمریکا از سال ۱۹۶۹ در پی آن بود که خود را از زیر بار مسئولیت بحران‌های بزرگ موجودها سازد؛ بدین ترتیب که ژاندارم‌های متعددی در سطح جهان پا به عرصه وجود گذارند تا علاوه بر دفاع از منافع آمریکا در چارچوب کشور خود، در برابر موج توسعه طلبی شوروی نیز ایستادگی نمایند» (گازیورسکی، ۱۳۷۶: ۱۹۶)

«در اوایل ۱۹۷۲ م/ ۱۳۵۰ ش، نیکسون و کسینجر در بازگشت از سفری به مسکو در تهران با شاه به مذاکره پرداختند. شاه در این ملاقات با تأکید به نیکسون گفت: می‌گم‌های ۲۵ روسی بر فرار از خاک ایران در حال پرواز دیده شده‌اند و پافشاری کرد که باید مجهزترین و جدیدترین جنگنده‌ها را برای رویا رویی احتمالی با تهدید کمونیست شوروی در اختیار داشته باشد، نیکسون هم موافقت کرد که تقریباً هر نوع جنگ افزار متعارف که شاه می‌خواهد به ایران بفروشد.» (لطفیان، ۱۳۸۰: ۱۶۹)

زمانی که نیکسون ریاست جمهوری آمریکا را به دست گرفت، ایران به صورت متحد ممتاز آمریکا درآمد به طوری که آمریکا حفظ امنیت خلیج فارس را در درجه اول به ایران سپرد، «سفر نیکسون به ایران در ۳۰ مه ۱۹۷۲ م/ ۹ خرداد ۱۳۵۱ ش. نقطه عطفی در برنامه تسلیحاتی ایران بود، نتیجه این سفر بازگذاشتن دست شاه برای خرید هرگونه سلاح پیشرفته غیر از سلاح‌های هسته‌ای بود.» (امینی، ۱۳۷۶: ۲۰۱)

حجم خرید سلاح‌های مختلف از آمریکا در اواسط دهه پنجاه شمسی برای یگان‌های زمینی، دریایی و هوایی ارتش ایران در حجم گسترده‌ای افزایش یافت.

اردشیر زاهدی سفیر ایران در واشینگتن در ابتدای بهمن ۱۳۵۵ ش. با تأکید بر توسعه روابط نظامی ایران با آمریکا گفت: «حجم روابط تجاری ایران و آمریکا ظرف پنج سال آینده به بیش از ۵۰ میلیارد دلار خواهد رسید که سالانه کم‌تر از یک چهارم آن واردات نظامی می‌باشد.» (روزنامه رستاخیز ۱۱/۶/۱۳۵۵: ص ۳)

درآمدهای سرشار ایران از فروش نفت اشتباهی سیری ناپذیر شاه برای خرید جنگ افزار و حمایت رسمی نیکسون از خط مشی وی دوچندان می‌کرد «برای افزایش قدرت

نظامی ایران، شاه ۹/۳ میلیارد دلار از بودجه ۴۵ میلیارد دلاری سال ۱۳۵۶-۱۳۵۵ یعنی حدود ۲۰٪ از بودجه کل کشور را در بخش نظامی سرمایه گذاری کرد. در آن زمان پیش بینی می شد که اگر این روند ادامه یابد احتمالاً در دهه ۱۳۶۰/۱۹۸۰ ایران از لحاظ نظامی، پس از ایالات متحده آمریکا، شوروی و چین در دنیا در درجه چهارم قرار گیرد.» (لاینگ، ۱۳۷۱:۲۸۳)

دراستای دکترین نیکسون در خصوص منطقه خاورمیانه و غرب آسیا اجرای این دکترین بر اساس دوستون ایران و عربستان سعودی پایه ریزی شده بود که وظیفه آن حمایت از منافع غرب در منطقه بود و آمریکا با اعطای کمک های مالی و تسلیحاتی به این دو کشور آنان را به عنوان ابزار و وسیله تأمین امنیت در منطقه خاورمیانه تقویت می کرد. دکترین نیکسون برنامه ریزی در اصول زیر بود:

«الف- همکاری نزدیک با ایران و عربستان به عنوان پایه های ثبات منطقه.

ب- حضور نظامی نیروی دریائی آمریکا به مقدار اندک در حد سه کشتی از واحده فرماندهی خاورمیانه.

ج- افزایش فعالیت های دیپلماتیک در منطقه و توسعه کمک های تکنولوژیک.

د- کاستن از توجه کشورهای کوچک منطقه به انگلستان در جهت تأمین نیازهای

امنیتی.» (نیکسون، ۱۳۷۱:۲۶۴)

نقش ایران در این دکترین پررنگ تر بود و عربستان بیشترین نقش تأمین انرژی و نفت را برای غرب ایفا می کرد و ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی حساس خود، تسلط بر تنگه هرمز، جمعیت بیشتر و حضور گسترده تر مستشاران آمریکا در آن سبب شد که علاقه مقامات ایرانی به آمریکا به ژاندارمی منطقه دوچندان شود.

نیکسون درباره عربستان معتقد بود: «به هر حال سعودی ها متحد مرموزی به شمار می روند، چه بسا در برابر حکومت افراطی عرب عقب نشینی کنند.» (یادمن، ۱۳۶۹:۱۴۰)

آمریکا با اجرای دکترین نیکسون و سیاست دوستون، ضمن کمک به فروپاشی امپراطوری بریتانیا، خواستار آن بود که قدرت توازن و صلح آمریکائی را جانشین بریتانیا قدیمی و منفورسازد که آغازی برای دوران تشدید سلطه گری و چپاول بیشتر و حفظ ظواهر و به دست رهبران وابسته منطقه بود.

«کسینجر به خوبی می دانست که چه می کند و بدین جهت دست شاه را برای هر مقدار جنگ افزار که می خواست به استثنای سلاح های هسته ای باز گذاشت.» (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۵:۴۰۱)

۳-۱- تقویت راهبرد دفاعی ایران توسط آمریکا

به طور کلی در دهه پنجاه شمسی روابط ایران و آمریکا ستون اصلی دیپلماسی و سیاست خارجی ایران را تشکیل می داد و این به خاطر منافع و تمایلات و خواسته های هیئت حاکمه و شخص شاه از گسترش رابطه با آمریکا بود.

« شاه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به این نتیجه رسید که قدرت اقتصادی بدون قدرت نظامی وجود خارجی ندارد از این رو تصمیم گرفت که قدرت برتر باشد.» (فردوست، ۱۳۸۷: ۴۸۳)

اهمیت استراتژیک ایران، بر خورداری این کشور از نفت و گاز سرشار، اسرار شاه در به عهده گرفتن مسئولیت های بیشتر، خروج انگلیسیها از شرق کانال سوئز و... در این امر مؤثر بود. خرید اسلحه نیز به سفارش مقام های ارشد مستشاری ارتش آمریکا در ایران صورت می گرفت.

«میزان هزینه نظامی و امنیتی روز به روز رو به افزایش گذارد این هزینه ها از ۲۱۰ میلیون دلار در سال ۱۳۴۱ با ۶/۶ برابر افزایش به ۱/۴ میلیارد دلار تا سال ۱۳۵۰ افزایش یافت. با بالا رفتن قیمت نفت این روند شتاب بیشتری پیدا کرد و از ۵۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۳ با ۳/۳۸ برابر افزایش نسبت به سال ۱۳۵۰ به مبلغ ۷۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۴ رسید.» (Fesharaki, 1976.p307)

باری روبین به نقل از کسینجر می نویسد: «شاه از ما کمک های نظامی بلاعوض نمی خواست و هزینه های مربوط به خرید اسلحه و تجهیز نیروی نظامی خود را از محل درآمد نفت تأمین می کرد و برای آمریکا چه بهتر از اینکه فقط برای تأمین منابع حیاتی خود در خلیج فارس کمترین هزینه ای از جیب مالیات دهندگان آمریکائی نمی پردازیم» (روبین، ۱۳۶۳: ۱۰۸) جرج بال* معاون سابق وزارت خارجه آمریکا می گوید: «از سال ۱۳۳۲ که شاه به قدرت بازگشت تا سال ۱۳۵۱، ما شاه را به طور کامل تحت نظارت داشتیم. این ما بودیم که می گفتیم به فلان سلاح احتیاج ندارید یا به فلان سلاح احتیاج دارید. میزان خرید اسلحه شاه از آمریکا به مدت ۷ سال ۲۰ برابر شد.» (عسگری، ۱۳: ۱۵۶)

هدف آمریکا از کمک های تسلیحاتی به ارتش ایران این بود که ایران بتواند از سرعت پیشروی حملات مسلحانه خارجی علیه خود بکاهد. مدرنیزه کردن ارتش و تقویت آن تاحدی بود که بتواند هرگونه حرکت نظامی شوروی را به تأخیر اندازد

در طول این مدت دولتمردان آمریکائی با ترساندن دربار و دولت از خطر کمونیزم توانستند بارسنگین هزینه های تأسیسات و تسلیحات نظامی را به ملت ایران تحمیل کنند.

۴-۱- ورود مستشاران نظامی آمریکا همراه با سلاح های آمریکائی به ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰ ش).

روابط ایران و آمریکا پس از کودتای ۲۸ مردادماه ۱۳۳۲ و سقوط حکومت مصدق از حساسیت و اهمیت ویژه ای برخوردار گردید و نقطه عطفی در روابط دو کشور به شمار رفت. این دوره با تحولات نفتی ایران آغاز شد و به مسائل امنیتی و سیاسی و اهمیت راهبردی دفاعی ایران پیوند خورد و این امر باعث گردید تا دولتمردان آمریکا زمینه حضور تعداد قابل توجهی از نظامیان خود را تحت عنوان مستشار نظامی در ایران فراهم کنند. مستشاران نظامی آمریکا در ایران از اختیارات گسترده برخوردار بودند و مراکز آموزشی از جمله آموزشگاهها، مدارس نظامی و دانشکده افسری در کنترل آنها بود.

«رؤسای اداره مستشاری از مراکز نظامی در نقاط مختلف ایران بازدید می کردند و نظامیان ایران حتی در رده های فرماندهی در ارتش موظف به اطاعت از دستورات مستشاران آمریکائی بودند.» (ایوانف، ۱۳۵۶: ۱۹۰)

با ورود سلاح های جدید در مقیاسی وسیع، سیل مستشاران نظامی آمریکا برای آموزش نحوه استفاده از این تسلیحات به سوی ایران سرازیر شد. آمریکا بدون آنکه نیازی به اعزام نیروی نظامی وسیع در منطقه داشته باشد با افزایش کمک های تکنولوژیک به ایران پایه های اقتدار خود را تحکیم بخشید.

«نقشی که شاه می خواست به عنوان پاسدار امنیت خلیج فارس ایفا کند، تنها برای کمک و خدمت به آمریکا نبود؛ تنگه هرگز گلوگاه حیاتی ایران به شمار می رفت و تمام صادرات نفتی ایران و قسمت اعظم کالاهای تجارتمورد نیاز ایران از این آبراه بود.» (روبین، ۱۳۶۳: ۱۰۴)

بنابراین برخورداری از کمک های اقتصادی به خصوص در حوزه نظامی و بهره گیری از مستشاران نظامی الزامی می نمود. سولیوان آخرین سفیر آمریکا در ایران در خصوص وضعیت مستشاران نظامی کشورش می نویسد: «..... میسیون های نظامی آمریکا در ایران وضع منحصر به فردی داشتند، تفاوت میسون های نظامی آمریکا در ایران با هیئت های نظامی در سایر کشورها ی جهان این بود که کارکنان نظامی آمریکا در ایران عملاً جزء نیروهای مسلح ایران به شمار می رفتند.» (سولیوان ۱۳۷۵: ۷۴)

راهبرد نظامی، دفاعی و امنیتی مستشاران آمریکائی در برنامه تقویت ارتش ایران در جهت توسعه بیش از حد نیروهای مسلح ایران، نیروی هوائی را بیش از همه قوای

مسلحه کشور مورد توجه قرار دادند و با در نظر گرفتن علاقه شاه به گسترش، توانائی و تجهیز این نیرو عمده ترین خریدهای تسلیحاتی به نیروی هوائی ایران اختصاص داشت. در اظهار نظرهای یکی از کمیته های سنای آمریکا آمده است:

«...می گویند نیروی هوائی ایران مایه فخر و سرور شاه است. در میان نیروهای سه گانه بیشترین رقم بودجه نوسازی کشور در سال های اخیر، صرف پیشرفت تکنیکی نیروی هوائی شده است و موجودی نیروی هوائی شاهنشاهی ایران، حاوی مدرنترین هواپیماهای نظامی جهان است» (زونیس، ۱۳۷۰: ۱)

شاه برنامه توسعه شدید نظامی را در اواخر ۱۹۶۰ با تجهیزات پیشرفته نظامی از قبیل جنگنده های اف ۴ و تانک های ام ۴۷ از آمریکا آغاز کرد. « در واقع شاه اجازه خرید همه نوع سلاح غیر هسته ای را از نیکسون دریافت کرده بود و شروع به خرید هواپیماهای اف ۱۴، موشک های فونیکس و ماوریک، ناوشکن اسپروانس، سیستم مراقبت آی بکس و... نمود.» (گازیوروسکی، ۱۳۷۱: ۱۹۶)

خرید های تسلیحاتی شاه در بخش هوائی لزوماً ورود کارشناسان نظامی بیشتری از آمریکا را فراهم می کرد.

« این امر به معنای حضور کاملاً مشهود آمریکا در ایران به وسیله فرستادن تعداد بسیار زیاد افراد نظامی، غیر نظامی و مشاور برای جبران کمبود شدید نیروی انسانی ماهر برای کاربردی کردن این سلاح ها بود.» (گراهام، ۱۳۵۸: ۲۲۴)

نفوذ گسترده ستاد مستشاری نظامیان آمریکا در نیروی هوائی ارتش در دوران پهلوی بسیار گسترده تر بود. آمریکائی ها مایل بودند تا سیستم نظامی ایران طبق مدل آمریکائی سازماندهی شود برای این منظور دو دوره عملیاتی به اجرا درآمد.

«در قسمت اول: تطبیق سیستم آموزش دبیرستان نظام و دانشکده افسری با سیستم آمریکائی و دوم: اعزام افسران و درجه داران ایرانی به آمریکا برای طی دوره های آموزشی و همچنین خوگرفتن با فرهنگ غربی؛ که البته در هر دو مورد مستشاران نظامی آمریکا نقش عمده ای داشتند. وظیفه تعیین پست و مقام افسران نیز بر عهده ستاد مستشاری ارتش آمریکا در ایران بود.» (عسگری، ۱۳۹۳: ۱۷۴)

این روش انتخاب در مناصب نظامی از سوی ستاد مستشاری ارتش آمریکا در ایران موضوع بسیار مهمی محسوب می گردید. در میان کشورهای پذیرنده دانشجوی نظامی از ایران، آمریکا عمده ترین مرکز جذب دانشجوی نظامی و غیر نظامی ایران از شهریور ۱۳۲۰ ش. تا پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بود.

«نظامیانی که جهت کسب آموزش به آمریکا اعزام می شدند، عمدتاً از افسران و درجه دارانی نیروی هوائی به ویژه خلبانان بودند، که با حقوق و مزایای زیادی جهت

فراگیری تکنولوژی جدید در رابطه با هواپیما و تجهیزات نیروی هوایی به آمریکا اعزام می شدند.» (رواسانی، ۱۳۶۷:۲۳۳).

«سرازیر شدن اسلحه آمریکائی به ایران باعث وارد کردن هرچه بیشتر پرسنل نظامی شده است... تا سال ۱۹۸۰، حدود ۵۰ تا ۶۰ هزار پرسنل آمریکائی همراه با اعضای خانوادشان در ایران خواهند بود.» (هالیدی، ۱۳۵۸:۱۴۱)

افزایش بهای نفت از مهمترین عوامل واهرم ها جهت گام برداشتن شاه به سوی بلندپروازیهای نظامی گری بود تا درکنار فروش نفت از تمام اهرم های موجود جهت خرید تسلیحات نظامی به بهانه مقابله با شوروی برخوردار گردد.

معاون گروه مستشاری آمریکائی در ایران چنین می گوید: «من دائماً مشغول دیداربا کسانی بودم که چیزی برای فروش داشتند. ایران جای خوبی برای کاسبی شده بود. خیلی خیلی خوب و منافع بازرگانی در آن بی نهایت بالا بود.» (اسنادلانه جاسوسی، ۱۳۶۹: ج ۲، ۱۶۹)

تردیدی نبود که ایران در زمان محمدرضا شاه به صورت بهترین مشتری صنایع جنگی آمریکا درآمده بود. با اجرای چنین سناریویی تمام درآمدهای نفتی شاه از طریق خرید سلاح ها و هواپیماهای مدرن و به روز دوباره به خود آمریکا بازگردانده می شد.

« در واقع افزایش قیمت نفت ، شاه ایران را در مدتی کوتاه به فرمانده نظامی بزرگترین زرادخانه جهان پس از آمریکا ، اروپا و شوروی تبدیل کرد.» (سمسون، ۱۳۵۷: ۲۷۲)

در سال ۱۳۵۲ ش. بلافاصله بعد از افزایش قیمت نفت در سطح جهانی، سرمایه گذاری ایران در نیروهای مسلح به ۳۰۰ درصد افزایش یافت و هزینه های جاری نظامی مخصوصاً در بخش نیروی هوایی بیش از دو برابر شد.

« نیروی هوایی بیش از دو شاخه نظامی زمینی و دریایی رشد یافت. در این شاخه بیش از صد هزار نفر و ۴۶۰ هواپیمای گوناگون وجود داشت» (چمنکار، ۱۳۸۹: ۶۳)

« در سال ۱۳۵۵ ایران را دارای بزرگترین نیروی دریایی در خلیج فارس، پیشرفته ترین نیروی هوایی خاورمیانه و پنجمین نیروی بزرگ نظامی جهان معرفی می کند» (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۵۳۶)

سلاح های آمریکائی در نیروهای مسلح ایران یک وابستگی شدید در ارسال قطعات به ایران را به همراه داشت و همین عامل حضور تعداد قابل توجه از مستشاران آمریکائی در ایران به معنای واقعی ایجاد شغل برای یکصد هزار شهروند آمریکائی در خارج از مرزهای ایالات متحده تحت شرایطی بود که تمامی هزینه ای مورد نیاز آن از سوی دولت ایران تأمین می گردید.

۵-۱- حمایت و نظارت دولتمردان آمریکا در راهبرد دفاعی و عملیات های فرامرزی ارتش ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)

واقعیت تاریخی بیانگر این مهم است که صدور مجوز خرید سلاح از سوی آمریکا بیش از آنکه به کارایران بیاید، عاملی در جهت حفظ منافع آمریکا بود. در سایه حمایت های بیدریغ سیاستگذاران کاخ سفید از حکومت پهلوی این رژیم نه تنها در خاورمیانه نقش ژاندارم قدرتمندی را در مقابل اعراب به عهده گرفت بلکه فرسنگ ها فراتر از مرزهای آبی و خاکی کشور، بازیگر نقش قدرت از سوی آمریکا بود.

«بر اساس دکترین نیکسون محدوده فعالیت امنیتی ایران از خلیج فارس فراتر بود و قسمت هائی از آب های دریای عمان و اقیانوس هند را نیز در بر می گرفت.» (چمنکار، ۱۳۸۳: ۸۲)

از دهه جهل شمسی تا پایان حکومت پهلوی، ارتش ایران نقش مداخله گری و راهبرد نظامی خود را در هشت کشور (عراق، پاکستان، یمن، عمان، سوریه، سومالی، ویتنام) مستقیم و غیرمستقیم به انجام رساند. «در آبان ماه ۱۳۵۱ شاه به درخواست ریچارد نیکسون هواپیماهای اف ۵ خود را به ویتنام جنوبی فرستاد.» (اسدالله علم، ۱۳۷۳: ۳۹۰)

در موضوع کشور عمان و نقش حکومت پهلوی در یاری رساندن به سلطان قابوس پادشاه عمان و مداخله نظامی ایران در آن کشور جزئی از سیاست راهبردی فرامرزی ارتش ایران بود.

«شاه در گفتگو با روزنامه ساندی تایمز در آوریل ۱۹۷۴ (فروردین ۱۳۵۳) نیز نقش حکومت ایران در عمان و نبرد با شورشیان ظفار و خرید اسلحه را جزئی از سیاست کلی این حکومت دانست. شاه در ادامه گفت: سلطان عمان تنها بود و هیچ کس به وی کمک نمی کرد.» (چمنکار، ۱۳۸۳: ۱۸۶) «هیچ یک از کشورهای عربی یا قدرت های بین الملل مسئولیت شرکت مستقیم و گسترده در نبرد با شورشیان ظفار و تأمین هزینه های آن را بر عهده نگرفته بودند» (اسناد وزارت خارجه، جعبه ۲۱، پرونده ۳، بخش ۳-۸/۱۳۵۳)

شاه در اوایل دهه ۱۳۵۰ ش. ۱۹۷۰ م. با اشاره به فعالیت امنیتی ایران در دریای عمان گفت: «من نمی گویم ابعاد محدوده ای که ما در نظر گرفتیم چند کیلومتر است؛ اما هر کس با موقعیت جغرافیایی و استراتژیک و بخصوص توان بالقوه نیروهای هوایی و دریایی ما آشنا باشد می داند این محدوده تا چه فاصله ای از بندر چابهار امتداد دارد» (همبلی، ۱۳۷۲: ۹۰۲)

در امتداد حضور نیروی نظامی ایران در عملیات فرامرزی و در جهت اجرای تأمین منافع آمریکا در منطقه خاورمیانه، عملکرد تدریجی ایران در ابعاد مداخلات مستقیم و غیر مستقیم خارجی، امری فراتر از علایق و استراتژی های امنیتی و سیاست تدافعی بود.

شاه ، در مراسم پایان تحصیل دوره چهارم دانشکده ستاد نیروهای مسلح گفت: «اهمیت ایران طوری است که ما، چه بخواهیم و چه نخواهیم، مسئولیت های منطقه ای و حتی بین المللی کم کم به عهده ما محول خواهد شد و ایران در آینده نزدیک عظمتی به دست آورد.» (مجله مهنامه ارتش شاهنشاهی ، ۱۳۵۴: ص ۵، ش ۷)

ریچارد نیکسون در تقدیر از سیاست فرامرزی حکومت پهلوی در راستای منافع جهان غرب گفت: «شاه خلاء قدرت را پر کرد... ظفار را کوبید... با شناسائی اسرائیل در تحریم نفتی ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ م. (۱۳۵۱-۱۳۴۵ ش) اعراب شرکت نکرد نفت لازم ناوگان مدیترانه را تأمین کرد.» (چمنکار، ۱۳۸۳: ۹۳)

اوایل دهه ۱۹۷۰ م. (اواخر دهه چهل شمسی) شوروی از نفوذ سیاسی وایدئولوژیک در ساختار جامعه ایران ناامید شد و سعی کرد که هدف خود را در حضور و دستیابی بر آبهای خلیج فارس و دریای عمان و کشورهای عربی منطقه با حمایت از جنبش ها و سازمان های چریکی بر مبنای اهداف سوسیالیستی متمرکز کند.

«پس از نفوذ شوروی در افغانستان، کمونیست های خلق بلوچ در پایگاههای شوروی آموزش جنگ های چریکی می دیدند. هدف روس ها این بود که بلوچستان را با جنگ های چریکی از پاکستان جدا کنند و با ایجاد جمهوری دموکراتیک بلوچستان ، دریای عمان را در اختیار بگیرند.» (کیا، ۱۳۷۶: ۱۰۹)

دولتمردان کاخ سفید از تمام این جریان ها اطلاع دقیقی داشتند اما مایل نبودند نیروهای خود را درگیر یک جنگ منطقه ای بکنند. سولیوان آخرین سفیر آمریکا در ایران، به رقابت در جنگ سرد با شوروی برای دولت متبوعش اعتراف کرده و می نویسد: «آنچه از نظر واشنگتن خیلی حائز اهمیت بود موافقت ایران با استقرار دواستگاه نیرومند جاسوسی و خبرگیری ما در شمال ایران بود. به وسیله این دواستگاه ما تمام فعالیت های نظامی روسها در جمهوریهای آسیای مرکزی به خصوص آزمایش های موشکی آنها را تحت نظر داشتیم.» (لطفیان، ۱۳۸۰: ۱۳۶)

آمریکائیهها که هرگز میل نداشتند مستقیماً خود را درگیر مواضع شوروی در خصوص حوزه خلیج فارس و دریای عمان و در حمایت از جنبش های مارکسیستی قرار دهند، این مأموریت را به ارتش ایران سپردند .

«به منظور انهدام و پاک سازی چریک های جدائی طلب بلوچ، نیروهای ایران در سال ۱۹۷۳ (۱۳۵۱) به استعداد واحدهائی از کماندوهای گارد شاه و دواسکادران هلی کوپترهای هوانیروز به ایالت بلوچستان پاکستان اعزام شده و عملیات نابودی به مدت دو سال به طول انجامید.» (چمنکار، ۱۳۸۳: ۹۱) در ادامه سیاست های نظامی ایران در عملیات های فرامنطقه ای و برون مرزی خود «جنگنده های فانتوم ایران در حمایت از دولت امان به اردن اعزام شدند.» (چمنکار، ۱۳۸۳: ۹۲)

ایران جدای از آسیا درقاره آفریقا نقش ژاندارمری خود را به نمایش گذارد. از جمله فعالیت برون مرزی ارتش ایران در سال ۱۳۵۶ش. درقاره آفریقا پشتیبانی نیروی نظامی ایران از زیادبارة رئیس جمهورسومالی درنبرد با ارتش اتیوپی بود.

«این حمایت شرط پایان دادن سومالی به تدارک جنگ افزار از روسیه بوده که با پیشروی نیروهای سومالی، مسکو مقادیر زیادی سلاح به اتیوپی رساند و با حمایت سازمان وحدت آفریقا از اتیوپی، سومالی شکست خورد.» (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۳: ۴۷۰)

«ایران از ملک حسین دوم، پادشاه مراکش هم درنبرد با چریک های پولیساریو که برای آزادی صحرا غربی مبارزه می کردند پشتیبانی و حمایت نمود. جبهه پولیساریو از شوروی، لیبی و الجزایر کمک های اقتصادی و نظامی متعددی دریافت می کرد.» (بالتا، ۱۳۷۰: ۱۲۸)

کمک های نظامی و اعزام نیروهای آموزشی به کشورهای در معرض خطر کمونیسم از جمله اقداماتی بود که حکومت پهلوی خود را موظف به انجام آن می دانست. سیاستگذاران کاخ سفید در آمریکا حضور نظامی ایران در آفریقا را بخشی از سیاست راهبردی خود در مقابله با اندیشه های جنبش های مارکسیستی که از سوی شوروی مورد حمایت قرار می گرفت می دانستند.

نتیجه گیری:

بعد از اشغال ایران توسط متفقین و به سلطنت رسیدن محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۲۰ ش. یکی از برنامه هائی که در دستور کار محمدرضا شاه قرار گرفت، برنامه اصلاح و بازسازی ارتش و نقش وی در حفاظت از منافع غرب مخصوصاً آمریکا بود. دولتمردان آمریکا سه طرح عملیاتی را برای حفظ منافع خود و جلوگیری از گسترش اردوگاه کمونیسم در خلیج فارس و دریای عمان ترسیم کردند. نخست ایجاد حلقه محصور کننده خویش با کمک کشورهای پاکستان، ایران و ترکیه که به مثابه خط مقدم جبهه در مقابل موج اندیشه های فکری کمونیسم ایستادگی نمایند. درگام دوم با توجه به آمایش سرزمینی و موقعیت جغرافیائی ایران و تعلق شاه به توسعه و تجهیز نیروی های مسلح در سایه روابط مستشاری نیروی نظامی آمریکا با ایران، در گام سوم که در موضوع راهبرد دفاعی و امنیتی ارتش ایران شکل گرفته بود اقتدار نظامی ارتش ایران در عملیات های فرامرزی در حوزه خلیج فارس و خاورمیانه در تحت حمایت دکترین آمریکا به انجام رسید. از این رو محمدرضا شاه پهلوی در دوران اوج روابط خود با آمریکا که مصادف با ریاست جمهوری ریچارد نیکسون ایفاگر نقش ژاندارمری در منطقه خاورمیانه و غرب آسیا بود.

هیئت های نظامی آمریکا در ایران از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۵۷ ش. (۱۹۴۳ تا ۱۹۷۸ م.) از جنمیش گرفته تا تافت، به بازسازی اقتصادی و سیاسی جامعه ایران کمک کردند، آمریکاییان با فروش اسلحه خود به ایران درآمد خوبی کسب کرده و مستشاران نظامی آمریکا تصمیم گیرنده حساس ترین مراکز امنیتی کشور بوده و توان دفاعی ایران با نظارت ایشان رهبری می شد.

ترسیم کننده خط مشی نظامی ایران کارشناسان و مستشاران نظامی آمریکا بودند. نمایش گذاردن قدرت نظامی ارتش ایران در مناطقی بود که هرگز تهدیدی متوجه مرزهای ایران تصور نمی شد و همانگونه که در متن بدان اشاره شد علاوه بر منطقه خاورمیانه در قاره آفریقا از کمک های مالی و نیروی نظامی ایران در جهت حفظ منافع ایالات متحده آمریکا بهره برداری شد.

یادداشت ها:

۱ - مستشار = مشورت کرده شده ، کسی که با او مشورت کنند، طرف شور و مشورت، رایزن - ر.ک: حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج ۲، تهران ، انتشارات امیر کبیر ۱۳۷۹ ص ۱۸۰۰

۱- روابط ایران و آمریکا در دوران ریاست جمهوری نیکسون و جerald فورد، از اعضای حزب جمهوریخواه در مقطع زمانی ۱۹۶۹ م. تا ۱۹۷۶ م. بر اساس این دکترین آمریکا به جای اینکه مستقیماً نیروهای خود را وارد کارزار کند، قدرت های منطقه ای را از جهت نظامی سیاسی اقتصادی کمک می نمود تا بتواند از منافع آمریکا در منطقه حمایت کنند. برای اطلاع بیشتر - ر.ک: روبین باری، جنگ قدرت ها در ایران، ترجمه محمود مشرفی ، تهران، انتشارات آشتیانی، ۱۳۶۳، ص ۱۵۵--

کتابنامه

- ۱- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتحی، تهران، نشرنی.
- ۲- افشاگری و تحلیل های آمریکا در مورد انقلاب اسلامی (۱۳۸۶) اسناد لانه جاسوسی. ج ۱-۲، ترجمه دانشجویان پیرو خط امام (ره) تهران: موسسه مطالعات پژوهش های سیاسی.
- ۳- امینی، علیرضا، (۱۳۸۱) تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی، تهران، معاصر
- ۴- ایوانف.م.س. (۱۳۵۶) تاریخ نوین ایران ترجمه هوشنگ تیزابی، حسن قائم پناه جلد اول تهران: بی جا،
- ۵- ایگورانسف وجی ادوارد. (۱۳۷۵) مدیریت رهبردی، مترجم عبدالله زندیه، تهران: انتشارات سمت
- ۶- بریر، کلروپیر بلانشه (۱۳۵۸) ایران و انقلاب به نام خدا، ترجمه قاسم صنعوی، تهران، سحاب.
- ۷- بیل، جیمز. (۱۳۷۱) شیر و عقاب، ترجمه فروزنده برلیان (جهانشاهی) چاپ اول، تهران: نشر فاخته،
- ۸- ب.کیا. (۱۳۷۶) ارتش تاریکی، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- ۹- بالتا، پل. (۱۳۷۰). مغرب بزرگ از استقلال تا سال ۲۰۰۰، ترجمه عباس آگاهی، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۱۰- ت.محمد. (۱۳۵۹) ماهیت و عملکرد امپریالیسم آمریکا در ایران، تهران، بی نام
- ۱۱- چمنکار، محمدجعفر. (۱۳۸۳) بحران ظفار ورژیم پهلوی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
- ۱۲- ذوقی، ایرج. (۱۳۶۸) ایران و قدرت های بزرگ در جنگ جهانی دوم، تهران: انتشارات پازنگ
- ۱۳- رستمی، محمود. (۱۳۷۸) فرهنگ واژه های نظامی، تهران، انتشارات ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی، ایران چ ۱.
- ۱۴- روا روبین، باری. (۱۳۶۳) جنگ قدرت ها در ایران، ترجمه محمود مشرقی، تهران: انتشارات آشتیانی،
- ۱۵- روشندل، جلیل. (۱۳۷۰) تحول در مفهوم راهبرد، مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، چاپ اول
- ۱۶- روا سانی، شاپور. (۱۳۶۷) دولت و حکومت در ایران در دوره تسلط استعمار و سرمایه داری، تهران: نشر شمع.

- ۱۷- زونیس، ماروین. (۱۳۷۰) شکست شاهانه ، ترجمه اسمعیل زند وبتول سعیدی، تهران: نشر نو.
- ۱۸- سلیمانی، رضا (۱۳۹۱) رویکرد تئوریک به سیاست آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در خاورمیانه، فصل نامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی (دانشگاه همدان)، سال اول، شماره ۲.
- ۱۹- سمسون، آنتونی. (۱۳۶۲) بازارچه اسلحه، ترجمه فضل الله نیک آیین، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۲۰- سولیوان، ویلیام (۱۳۷۵) مأموریت در ایران، ترجمه محمود مشرقی، تهران: انتشارات هفته.
- ۲۱- عسگری، شاداب. (۱۳۹۳) مستشاران نظامی آمریکا در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۲۲- علم، اسدالله. (۱۳۷۳) گفت وگوهای من با شاه، ج ۱، تهران: طرح نو.
- ۲۳- فارسی، جلال الدین. (۱۳۶۳) راهبرد ملی، گزارش سمینار دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه. جلد اول
- ۲۴- فردوست، حسین. (۱۳۸۷) ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، چاپ هفتم، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۲۵- فونتن، آندره، (۱۳۶۲) یک بستر دورویا، تاریخ تنش زدائی، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر نو
- ۲۶- قائم مقامی، جهانگیر، (۱۳۲۶)، تاریخ تحولات سیاسی و نظامی ایران از آغاز قرن یازدهم هجری تا سال ۱۳۱۱ ه.ش. تهران، انتشارات کتابخانه اکبر علمی و شرکاء
- ۲۷- کاظمی، محمد و دیگران. (۱۳۵۵) تاریخ پنجاه ساله نیروی زمینی شاهنشاهی ایران، تهران: ستاد نیروی زمینی.
- ۲۸- گازیو روسکی، مارک، جی. (۱۳۷۱)، سیاست خارجی آمریکا و شاه بنای دولتی دست نشانده در ایران، ترجمه فریدون فاطمی، تهران: نشر مرکز
- ۲۹- گراهام، رابرت. (۱۳۵۸) ایران سراب قدرت، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران: سحاب.
- ۳۰- لطفیان، سعیده. (۱۳۸۰) ارتش و انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی،
- ۳۱- لاینگ، مارگارت. (۱۳۷۱) مصاحبه با شاه، ترجمه اردشیر روشنگر، تهران: نشر البرز.

۳۲- مستشاران نظامی آمریکا در ایران (۱۳۶۹) اسنادلانه جاسوسی، ترجمه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام (ره) ج، ۳، ۵۲، ۷۰، ۷۱، ۷۲، تهران، مرکز نشر اسنادلانه جاسوسی آمریکا.

۳۳- نیکسون، ریچارد، (۱۳۷۳) رهبران، ترجمه کاظم عبادی عبادی، تهران، عطائی.

۳۴- هالیدی، فرد. (۱۳۵۸) دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران، ترجمه فضل الله نیک آیین، تهران: انتشارات امیرکبیر ..

۳۵- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا. (۱۳۷۵) سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران: نشر البرز

۳۶- همبلی، گاوین. (۱۳۷۲). سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت کمبریج، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو، چ ۱

۳۷- یادمن، کلارک (۱۳۶۹) اقیانوس هند در سیاست جهانی، ترجمه همایون الهی، تهران، قومس.

مقالات:

ریکس، تامس، م. (۱۳۸۶) هیئت های نظامی ایالات متحده در ایران از ۱۹۴۳ تا ۱۹۷۸ اقتصاد، سیاسی، کمک نظامی، ترجمه فرهاد ساسانی، تهران، فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۱۹ ص ۱۳۶

مجلات:

۱- مجله مهنامه ارتش شاهنشاهی، ش ۷، مهرماه ۱۳۵۴،

اسناد:

۲- اسنادوزارت خارجه، جعبه ۲۱، پرونده ۳، بخش ۳-۳/۸/۱۳۵۳

روزنامه ها:

۱- روزنامه رستاخیز ۱۱/۶/۱۳۵۵: ص ۳

منبع انگلیسی:

Fereydon Fesharaki rans petrodollars: Surplus or deficit? Iran: psst .present and

Futur.J.Jacqs for Humanisitic Studies. New York. 1976. p307